



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۲

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی اعتبار نظرات کارشناسی و آزمایشگاهی مبتنی بر مقدمات حدسیه تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

استاد: محمد قائمی حفظه الله

الحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين و لعنة الله علی اعدائهم الی يوم الدين

بررسی اعتبار نظرات کارشناسی و آزمایشگاهی مبتنی بر مقدمات حدسیه

خلاصه جلسه قبل: بحث در اعتبار نظر کارشناسی و آزمایشات پزشکی در مواردی است که قول آنها مبتنی بر مقدمات حدسی باشد. گفته شد که اگر نظر کارشناسی و آزمایشگاهی مبتنی بر مقدمات حسی باشد، بینه در آن معتبر است و بلکه خبر ثقه واحد هم به تفصیلی که گذشت در آن اعتبار دارد. حال در مقام دوم، بحثمان در مسأله اعتبار نظرات مبتنی بر مقدمات حدسیه است. برای این مسأله، قبل از ورود به ادله، کلمات برخی از بزرگان در مسأله مطرح شد.

از جمله این عبارت ها، کلام مرحوم شهید رحمه الله در دروس بود. هر چند کلام ایشان پیرامون بحث مقوم که اعتبار قولش مبتنی بر اعتبار قول اهل خبره است، می باشد ولیکن خصوصیتی در آن مسأله وجود ندارد و کلام ایشان به بحث ما نیز قابل تطبیق است. کلام مرحوم شهید رحمه الله را اشاره کردیم که متضمن این مطلب بود که در اعتبار قول مقوم و پذیرش آن، عدالت و معرفت و تعدد و ذکورت و ارتفاع تهمت شرط است. یعنی ایشان تمام شروط بینه از جمله تعدد را در اعتبار قول مقوم نیز دخیل دانسته اند. و علاوه بر عدالت و ذکورت و تعدد، چون در اینجا، حیثیت خبرویت نیز مدخلیت دارد، معرفت را هم شرط فرموده اند. نظیر این عبارت، برخی از کلمات برخی بزرگان دیگری بود که در جلسه قبل اشاره شد. تا اینکه بحث به کلام مرحوم شیخ رحمه الله در مکاسب رسید.

کلام مرحوم شیخ رحمه الله در مکاسب پیرامون مشروط بودن قول خبره به شروط بینه

مرحوم شیخ رحمه الله در بحث مقوم، که به مناسبت معرفت ارش که باید قیمت کالای معیوب و کالای صحیح کارشناسی شود تا اینکه تفاوت و نسبت تفاوت به عنوان ارش بیان شود، مطرح فرمود که مسأله صوری دارد.

صور سه گانه فردی که ارش را مشخص می کند

در جلسه قبل بیان شد که به مرحوم شیخ رحمه الله نسبت داده شده است که ایشان در اعتبار قول مقوم بین فروضی تفصیل داده اند.^۱ در حالی که ما گفتیم مرحوم شیخ رحمه الله در مقوم، تفصیلی قائل نشده است بلکه آنچه در کلام شیخ رحمه الله آمده تفصیل بین قول شخص در رابطه با مقدار ارش و معرفت مقدار قیمت در صور مختلف است که در برخی از صور قول او مبتنی بر خبره است و در برخی از صور مبتنی بر خبره نیست.

صور اول: بیان قیمت از طریق اخبار

تفصیل مرحوم شیخ رحمه الله این بود که در برخی از موارد، قول شخص در تعیین قیمت ارش مبتنی بر حس است نه بر حدس، در این صورت اعتبار قول او به ملاک خبر از حسیات است و در نتیجه اعتبار قول شخص منوط به شروط بینه از جمله عدالت است، کما اینکه تعدد و حسی بودن خبر هم در اعتبار دخیل است. که مرحوم شیخ رحمه الله این صورت را خارج از تقویم دانست زیرا هر اخبار از قمیتی تقویم محسوب نمی شود.

ایشان در توضیح مورد این صورت می فرماید که شخص از قیمت متعارف معلوم منضبطی خبر می دهد که در نزد اهل بلد یا حتی نزد اهل خبره مشخص است، که خبر او مبتنی بر اعمال حدس نیست. مثلاً می گوید: این کالای مشخص و یا مثل این کالای مشخص

^۱. مقرر: در جلسه قبل بیان شد که در کتاب «موسوعة الفقه الاسلامی» کلام شیخ نادرست تبیین شده است.



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۲

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی اعتبار نظرات کارشناسی و آزمایشگاهی مبتنی بر مقدمات حدسیه تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

استاد: محمد قائمی حفظه الله

در آن صفات مقصوده، قیمتش در فلان شهر یا در نظر اهل خبره این است. مرحوم شیخ رحمته الله این را داخل در بحث شهادت دانسته است و لذا در آن جمیع شروط معتبره در باب شهادت از جمله تعدد در مخبر که در بینه شرط است و همینطور عدالت را معتبر دانسته است علاوه بر اینکه باید اخبار از حس باشد، زیرا در امور مبتنی بر حس، اخبار حدسی مسموع نیست. علاوه بر این صورت اول، مرحوم شیخ رحمته الله دو صورت دیگر را نیز مطرح می فرماید که آن دو صورت از مواردی است که اخبار در آنها، مبتنی بر حس نیست بلکه مبتنی بر حدس و اجتهاد است.

صورت دوم: بیان قیمت از طریق حدس به جهت ممارست با اشباه کالا

صورت اول از این دو صورت این است که این شخص به خاطر ممارست با اشباه این شیء، خبر می دهد که قیمت این شیء این است یعنی هر چند که این کالا بالفعل در خارج راغب و خریداری ندارد ولیکن شخص با لحاظ مشابهاات آن کالا که مورد رغبت مردم است بر اساس نوعی مقایسه و اعمال حدس و با در نظر گرفتن امور مرتبط، تعیین قیمت می کند. پس در این فرض، اینگونه نیست که بالفعل نسبت به این کالا خریداری وجود داشته باشد، اما قیمت گذاری این کالا بر اساس قیاس بر مشابهاات و اعمال حدس امر ممکن است. مرحوم شیخ در این فرض فرموده است که اعتبار قول مخبر در مثل این مورد، علاوه بر اموری که در آن صورت اول ذکر شد که خبر از حسیات بود، نیاز به معرفت هم دارد که این شرط در کلام مرحوم شهید اول رحمته الله هم آمده بود که فرد باید نسبت به این جنس خبره باشد که این کالا با این خصوصیتی که دارد هر چند بالفعل راغب و خریداری ندارد، اما تا چه مقدار ارزش اقدام بر خرید را دارد. و شیخ رحمته الله فرموده است که به همین اعتبار، از او به اهل خبره تعبیر می شود زیرا صرف عدالت و ... برای قبولی اخبار او کافی نیست بلکه جدای از آن باید معرفت و خبره نسبت به آن شیء هم داشته باشد.

صورت سوم: بیان قیمت از طریق حدس در تشخیص نوع کالا

صورت دوم که باز مبتنی بر اعمال خبره و حدس است، این است که اخبار از قیمت دادن شخص، به اعتبار اعمال خبره و حدس در تشخیص خصوصیتی است که در کالا وجود دارد که این شخص می تواند آن را تشخیص دهد و بر اساس اشتغال بر آن خصوصیات قیمت کالا متفاوت است. مثلاً این طلا، طلای فلان عیار است، یا این نوع نقره، نقره ارزشمندی است یا این گندم از نوع گندم فلان بلد است که یک مزیتی دارد. البته در این فرض، خود قیمت کالا نسبت به واجد و فاقد آن خصوصیات یک امر مشخصی است و اعمال حدس او، در تعیین قیمت به نحو کلی واجد و فاقد خصوصیت نیست، بلکه اعمال حدس، در تعیین قیمت به لحاظ تشخیص صنف و نوع است که مثلاً آیا این طلا، طلای ۲۴ عیار است یا ۱۸ عیار است؟ پس اعمال حدس در حقیقت در تشخیص صغراست. بنابراین در کلام مرحوم شیخ رحمته الله دو صورت برای تشخیص با اعمال حدس و اجتهاد مفروض است که یک صورت آن عبارت است از اینکه کالایی بالفعل راغبی ندارد اما بر اساس قیاس بر امثال و نظایر آن، برای آن قیمت تعیین می شود. مثل آنچه در مثال آقای خویی رحمته الله آمده که کتابی مخطوط به خط علامه رحمته الله است که اینگونه نیست که از این کتاب مثلاً دو نمونه وجود داشته باشد تا بگوید این نوع کتاب در بازار قیمتش این است پس قیمت این کتاب هم که از آن نوع است چنین است. اصلاً همین یک کتاب است و نسخه منحصر به فرد است. یا مثلاً قرآنی خطی منسوب به برخی ائمه علیهم السلام است و دوم ندارد، خوب تشخیص قیمت در مثل این کالا مبتنی بر وجود خریداری در شخص این کالا در خارج نیست. پس یا این شیء بالفعل مشتری ندارد و یا اگر مشتری بالفعل دارد اینطور نیست که یک قیمت مشخصی در این کالا در مورد دیگری فرض شود. پس باید قیمت این کالا با قیاس آن به اشباه و نظائرش تعیین شود که

بسم الله الرحمن الرحيم



جلسه: ۱۲

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی اعتبار نظرات کارشناسی و آزمایشگاهی مبتنی بر مقدمات حدسیه تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

استاد: محمد قائمی حفظه الله

مثلاً در مشابهات این از مخطوطات یا از کتب عتیقه به چه مقدار داد و ستد و خرید و فروش می شود. که بر این اساس تعیین می کند که این کالای منحصر به فرد هم قیمتش این است. صورت دوم این است که این کالا مشابهش در بازار وجود دارد، منتهی نمی دانیم که این کالا از سنخ کدام کالا است. مثلاً آیا این طلا، طلای عیار پایین است یا عیار بالاست و گرنه قیمت طلای با فلان عیار یا غیر آن مشخص است. اعمال حدس در تشخیص نوع و صنف جنسی است که مقدم می خواهد قیمت گذاری کند.

استفاده از کلام شیخ رحمته الله علیه در پاسخ به شبهه مطرح در عبد انگاری

با این بیان، یک نکته ای اینجا در پراتر عرض کنم و آن اینکه برخی افراد گاهی در مسأله عبد انگاری در بحث تعیین مقدار دیات در مواردی که مقدر خاصی در جنایت منصوص نیست اشکال می کنند که اگر ملاک در تقدیر و تعیین مقدار دیه در غیر موارد منصوصه، عبد انگاری باشد، الان که زمان خرید و فروش عبد نیست و بر اساس عبد انگاری، نمی شود قیمت جنایت و مقدار دیه را تعیین کرد. پس این میزان در زمان ما عملی نخواهد بود.

لکن با این نکته ای که در کلام شیخ رحمته الله علیه اشاره شد، کاملاً روشن می شود که عبد انگاری برای تعیین مقدار دیه، امر غیر ممکن نیست حتی در زمانی که عبد داد و ستد نمی شود و خرید و فروش رقبه رایج نیست و موضوع نداشته باشد. یعنی اینگونه نیست که اگر یک کالایی الان در بازار خرید و فروش نشود، پس نشود برای آن قیمت تعیین کرد. ما موارد متعددی در فقه داریم که الان آن شیء ای که تعیین شده قابل دستیابی نیست. یعنی در حالی نوبت به قیمت آن شیء می رسد که خود آن شیء الان در بازار وجود خارجی ندارد و معامله نمی شود. مثلاً دینار و درهم که نصاب در زکات تعیین شده است، خوب حالا ما در بازار درهم و دینار نداریم، پول طلا و نقره نداریم. اما این موجب نمی شود نتوان آن را قیمت گذاری کرد. و لذا می شود محاسبه کرد که دیناری که مثلاً این مقدار گرم است و مسکوک به سکه معامله است، اگر الان در بازار بخواهد با آن داد و ستد بشود، ارزش معاملاتی اش چقدر است و با آن چه مقدار جنس می دهند.

عبد انگاری هم از همین قبیل است و لذا مرحوم شیخ رحمته الله علیه فرمود که در قضیه مقوم، یک فرض این است که جنس منحصر به فرد باشد و مقوم می خواهد آن را ارزش گذاری کند. در این فرض، این جنس، وجودات متعددی یا افراد ممنوع ندارد تا ما ببینیم در بازار چطور معامله می شود و بعد این را به آن قیاس کنیم و قیمت آن بگوییم که اگر چنین باشد، این خبر از امر حسی است.

اما فرض مسأله این است که جنسی منحصر به فرد است، خوب این جنسی که منحصر است و الان در افراد دیگر این جنس وجود ندارد خارجاً که بخواهد تعیین قیمت آنها موجب تعیین قیمت این کالا بشود، شخص خبیر می تواند، این جنس عزیز الوجود و بلکه منحصر الوجود را بر مشابهات آن قیاس کند که ارزش مشابهاتش چقدر است و به چه مقدار قیمت معامله می شود و بر اساس آن، قیمت آن را تعیین کند. پس اینگونه نیست که عدم دسترسی بالفعل به جنسی (به اینکه شایع نباشد یا اصلاً وجود نداشته باشد) مانع از قیمت گذاری شود.

در کلام مرحوم شهیدی رحمته الله علیه در هدایة الطالب به مرحوم شیخ اشکال کرده اند که تقویم مقوم همیشه اینگونه نیست که اخبار از امر حدسی باشد بلکه همه این موارد اخبار از امر حسی است. پس آنچه در کلام مرحوم شیخ رحمته الله علیه آمده که اخبار از قیمت امر حدسی است، جا ندارد. لکن ما وجه این اشکال را متوجه نمی شویم، زیرا اخبار از قیمت در این دو فرضی که مرحوم شیخ رحمته الله علیه فرموده کاملاً امر

بسم الله الرحمن الرحيم



جلسه: ۱۲

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی اعتبار نظرات کارشناسی و آزمایشگاهی مبتنی بر مقدمات حدسیه تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

استاد: محمد قاضی حفظه الله

حدسی است. بله آن جاهایی که از مورد اول باشد که اخبار از قمیت بالفعل بازار در یک کالایی که به صورت رایج و متداول است، مثل قیمت گندم که الان در بازار مشخص است، چنین اخباری، اخبار از امر حسی است که خود مرحوم شیخ رحمه الله هم نسبت به آن فرمود این مورد اصلاً از موارد تقویم نیست.

پس بنابراین مرحوم شیخ رحمه الله این دو مورد را ذکر فرمود و فرمود اخبار در این دو مورد مبتنی بر حدس است و باید با این دو مورد، معامله اخبار در حدسیات کرد.

کلام مرحوم شیخ رحمه الله در قسم صورت دوم

پس از بیان اصل صور، مرحوم شیخ وارد بحث از هر صورت می شود که بحث ایشان در صورت دوم، برای ما مهم است؛ زیرا با مسأله اخبار از امور مبتنی بر مقدمات حدسی پزشکی، آزمایشات و ... ارتباط پیدا می کند.

مشروط بودن قول خبره به شروط بینة از جمله تعدد

ایشان بعد از آن که مورد را به عنوان مورد حدسی معرفی فرموده، می فرماید که اظهر این است که فرقی بین این اقسام از حیث شروط حجیت خبر وجود ندارد. یعنی در هر سه فرض، شروط بینة که تعدد و عدالت و ذکورت باشد معتبر است. علاوه بر اینکه در مثل اموری که مبتنی بر حدس است، اجتهاد و معرفت و خبره هم لازم است. طبق این کلام ایشان، نتیجه این می شود که اگر بخواهد در مانحن فیه و مسائل پزشکی تطبیق شود، نظر آزمایشگاهی مبتنی بر مقدمات حدسی اعتبارش، علاوه بر خبرویت، منوط به شروط بینة از جمله عدالت و تعدد و ذکورت است پس نظر آزمایشگاهی، اگر از سوی پزشک خانم باشد چون مصداق بینة اصطلاحی نیست، اعتبار ندارد یا اگر آن شخص مباشر آزمایش، عدالت معتبر در فقه را واجد نباشد نظرش اعتبار ندارد یا اگر اخبار یک نفر باشد، اعتبار ندارد زیرا در آن تعدد معتبر است.

ابداع احتمال عدم مشروط بودن قول خبره به شروط بینة

بعد از این، مرحوم شیخ رحمه الله یک احتمالی را ابداع می کند و آن تفصیل بین آن قسم اولی است که خبر مبتنی بر حس باشد که می فرماید در آن شروط بینة معتبر است و بین آن دو صورت بعدی، که فرموده شروط بینة لازم نیست، بلکه اخبار واحد کافی است و این یعنی اینکه تعدد لازم نیست. حال اگر اخبار واحد کافی باشد، دیگر عدالت هم لازم نخواهد شد زیرا به ملاک اعتبار واحد، مطلق خبر ثقة کافی خواهد بود و اگر از عنوان بینة خارج شدیم، دیگر نسبت به غیر بینة که بناست که خبر واحد کافی باشد مثل اخبار در روایات، در آن نه عدالت معتبر است و نه ذکورت. پس وقتی که از شروط بینة خارج بشود که یعنی تعدد لازم نباشد و به ملاک بینة نخواهد معتبر باشد، دیگر نوبت به خبر ثقة می رسد و در خبر واحد ثقة اعم از مذکر و غیر مذکر، عادل و غیر عادل، معیار وثاقت است.

وجوه تقویت کننده احتمال

پس از بیان این احتمال، مرحوم شیخ رحمه الله وجوهی را برای این مطلب مطرح می کنند، که گویا ایشان بی تمایل به قبول این احتمال که ابداع می کند، نیست هر چند ابتداء فرموده است اظهر عدم تفرقه بین اقسام در شروط قبول است اما بعد فرموده است «و ان احتمال» یعنی احتمال داده شده است که در غیر آن فرض اول، در آن دو فرض دیگری که مبتنی بر خبره بود، خبر واحد کفایت کند.

۱- لزوم حرج

اولین وجهی را که بیان کرده است، لزوم حرج در صورتی است که بخواهیم تعدد را در مثل قول خبر لازم بدانیم. زیرا در مثل امور حسی دسترسی به شهود متعدد میسرتر است اما در امور حدسی و اهل خبره اینگونه نیست که دسترسی به تعدا بالا در آن میسر باشد.

بسم الله الرحمن الرحيم



جلسه: ۱۲

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی اعتبار نظرات کارشناسی و آزمایشگاهی مبتنی بر مقدمات حدسیه تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

استاد: محمد قائمی حفظه الله

۲- انسداد باب علم

وجه دوم، اعتبار ظن در مثل این اموری است که باب علم در آن منسد است به این ضمیمه که اگر بخواهد قول واحد در آن مقبول نباشد، نتیجه این است که در قیمت گذاری نوبت به اصل عملی می رسد و اصل برائت اقتضا می کند که در تعیین قیمت به آن اقل اکتفا شود و اکتفای آن در حداقل موجب تضییع حق مشتری آن کالای معیوب مستحق ارش، در کثیری از مقامات است.

۳- عموم و اطلاق ادله اعتبار قول عادل

پس از بیان این دو وجه، وجه مهمی را مطرح می کند که عموم ادله اعتبار عدل واحد است. یعنی اطلاق ادله اعتبار قول عدل (که بعید نیست منظور ایشان از عادل مطلق ثقه باشد نه عادل اصطلاحی که در مقابل فسق شرعی) و عموم دلیل اعتبار قول عادل یا ثقه اقتضا می کند که در این موارد حدسی، قول واحد کافی باشد و تعدد که در امور حسی معتبر است، اینجا معتبر نباشد. از این عمومات مواردی از قبیل شهادات که اخبار از آنها مبتنی بر حس است خارج شده است مثل قسم اول. حالا یا از باب مثل آن روایت «والاشیاء کلها علی هذا حتی یستبین لک غیر ذلک أو تقوم به البینه» یا سایر آن، اما مهم این است که در امور حسی که قسم اول از سه قسمی که شیخ ذکر کرد نیز از امور حسی است، تعدد و عدالت و تمام آنچه گذشت معتبر است.

اما در امور مبتنی بر حدس از قبیل فتوا، دیگر تعدد و شروط بینه معتبر نیست و بر این اساس فرموده است: «دون ما کان من قبیل الفتوی کالثانی» و البته دیگر «ثانی» هم خصوصیت ندارد و ثالثی هم که در کلام شیخ رحمته الله آمده همینطور است. زیرا فرض دوم و فرض سوم، در حدسی بودن مشترک اند.

ایشان فرموده است دلیل اینکه در مورد ثانی، قول واحد کافی است، عموم دلیل اعتبار قول عادل است که در امور حدسی مخصصی ندارد و در این فرض دوم، نظر شخص مبتنی بر اعمال حدس و اجتهاد و تتبع اشباه و نظائر است.

عبارت شیخ رحمته الله در اینجا این است: «دون ما کان من قبیل الفتوی کالثانی لکونه ناشئاً عن حدس و اجتهاد و تتبع الاشباه و الانظار و قیاسه علیها» که البته منظور از قیاس در اینجا، قیاس اصطلاحی اصولی نیست بلکه قیاسی است که بر اساس آن شخص مطمئن و یا عالم به قیمت می خواهد باشد. «حتی أنه/المقوم/ یحکم لأجل ذلک» (که حدس و اجتهاد باشد) ینبغی أن یبذل یأزائه کذا و کذا و إن لم یوجد راعب یبذل له ذلک». یعنی قیمت به این اعتبار است که «ینبغی أن یبذل یأزائه» نه اینکه «یبذل یأزائه». چون این معنایش این است که بالفعل خریدار و فروشنده ای در بازار در افرادی از جنس این کالا هست ولی فرض ما این است که این جنس، جنس منحصر است. جنسی نیست که افراد دیگری آن را داشته باشد، منتهی اشباه و نظائری دارد که بر اساس قیاس می خواهد قیمتش تعیین شود. و لذا در این صورت، عموم ادله اعتبار قول عادل، پذیرش خبر واحد و عدم اعتبار تعدد را اقتضا می کند. آنچه از این عموم خارج شده، مواردی از قبیل امور حسی است که به تعبیر مرحوم شیخ رحمته الله، مواردی است که از قبیل شهادات است. اینکه ایشان فرموده «من قبیل الشهادة» این مشیر است به همان امور حسی که در صدر کلام ایشان آمده است.

مرحوم اصفهانی در صدد بیان فرق بین موارد شهادت و غیر شهادت بر آمده و حدود شش یا هفت وجه از دیگران، در مقام تفرقه بین این دو نقل می کند، ولیکن آن وجوهی که ذکر شده، اینطور نیست که کلام شیخ رحمته الله اینجا ابهامی داشته باشد، بلکه منظور از «ماکان من قبل الشهادة» یعنی آن اموری که اعتبارش مبتنی بر حس است، در مقابل امور غیر شهودی که اعتبار آن قول مبتنی بر اعمال حدس است و اخبار مبتنی بر اعمال اجتهاد است ولذا در صدر عبارت در همان قسم اول مرحوم شیخ رحمته الله فرمود «قد ینخبر عن القيمة المتعارفة المعلومۃ المضبوطة عند اهل البلد أو عند اهل الخبرة منهم لهذا المبیع المعین أو لمثله فی الصفات المقصودة»



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۲

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی اعتبار نظرات کارشناسی و آزمایشگاهی مبتنی بر مقدمات حدسیه تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

استاد: محمد قاضی حفظه الله

که فرمود «و هذا داخل فی الشهادة» یعنی آنچه که مبتنی بر اعمال حدس نباشد و مبتنی بر حس است، این قسم داخل در اخبار از امور حسی است و مندرج در شهادت می شود. منتهی بعد فرمود است «يعتبر فيها جميع ما يعتبر في الشهادة على سائر المحسوسات» یعنی آنچه در اعتبار شهادت است نسبت به بقیه محسوسات از شروط قبول شهادت معتبر است از تعدد، عدالت و ... اینجا هم آنها معتبر است.

حالا البته آن وجوهی هم که مرحوم محقق اصفهانی رحمته الله به عنوان تفرقه بین «ما يعتبر في الشهادة» و «ما يعتبر في الخبر» ذکر کرده است، آن خودش یک چیز دیگری است و از کلام مرحوم شیخ رحمته الله اینجا بر نمی آید. بله در بعضی از عبارت دیگر ممکن است آن کلام اصفهانی رحمته الله جا داشته باشد که ایشان خواسته اند فرق بگذارند که آیا مورد به ملاک خبر است یا به ملاک شهادت؟ که اگر اعتبار خبر به ملاک خبر باشد، در آن تعدد معتبر نیست و اگر به ملاک شهادت باشد، در آن شروط بینه معتبر است. ولکن باید گفت: ماهیت اعتبار و شهادت در ناحیه اخبار فرق نمی کند. و خود این تفاوت به شهادت و اخبار، منشأ تفاوت در حقیقت و ماهیت نیست.

آنچه که از بعضی از کلمات بر می آید که اعتبارش اگر از باب شهادت است در آن تعدد معتبر است و اگر از باب خبر است، تعدد در آن معتبر نیست، فرض این است که شهادت و خبر، در ماهیت اخبار که فرق نمی کند مگر اینکه منظور قائل این باشد که اگر بر اساس دلیل حجیت شهادت و بینه بخواهد این خبر را معتبر بداند، باید در آن تعدد فرض شود. اگر بر اساس دلیل حجیت خبر عام است، شامل خبر واحد هم می شود. اگر منظور این باشد.

ولی مرحوم محقق اصفهانی رحمته الله وجوهی برای فرق بین خبر و شهادت مطرح کرده است که اینها ما سابقا از مرحوم شهید رحمته الله در قواعدش ضابطه ای برای فرق بین خبر و مثل شهادت به لحاظ اعتبار تعدد و عدم اعتبار آن حکایت کرده ایم که خبر آنی است که از امور عامه است ولی شهادت در امور خاصه است. یک تعبیرهای اینگونه ای که مشابه آن در کلام مرحوم اصفهانی رحمته الله در بعضی از وجوه فرق بین شهادت و اخبار آمده، ولی اینجا منظور مرحوم شیخ رحمته الله معلوم است که وضعیت تفرقه بین فرض حسی و حدسی و به تعبیر دیگر بین صورت اولی و دو صورت اخیر، است و این منظور مرحوم شیخ است.

خلاصه طبق کلام مرحوم شیخ رحمته الله ولو ابتداء اظهار فرمود که در پذیرش قول مقوم در موارد حدس و اجتهاد، علاوه بر خبرویت شروط بینه از قبیل عدد و عدالت و ذکورت، معتبر است، ولکن بعد احتمال اکتفای به خبر واحد را در امور مبتنی بر اعمال حدس نقل می فرماید که «و إن احتمل الكتفاء بالواحد» و بعد هم ایشان این احتمال را رد نمی کند و گویا بی تمایل به این احتمال نیست و هر که قائل به این احتمال است که مرحوم شیخ رحمته الله دارد حکایت می کند، گویا می خواهد در اعتبار تعدد و شروط بینه بین حسیات و حدسیات تفصیل دهد که هر چند در حسیات شروط بینه معتبر است ولی در حدسیات، شروط بینه معتبر نیست. که بعد برای این احتمال وجوهی بیان می شود از جمله اینکه اگر بخواهد معتبر باشد، حرج پیش می آید.

بررسی وجوه مطرح شده در کلام شیخ رحمته الله

به نظر می آید که این مستلزم حرج بودن ممکن است استدلال نباشد و عمده استدلال همان وجه سومی است که در کلام شیخ رحمته الله آمده، و آن قضیه عموم دلیل اعتبار قول عادل و خبر ثقة واحد است.

گویا بیان حرجی بودن به این جهت است که ممکن است گفته شود که اگر در امور حسی تعدد معتبر است، در اینجا که امور حدسی است به اولویت و فحوا باید تعدد معتبر باشد، چون معرضیت امور حدسی بر خطا بیش از امور حسی است. پس اگر در امور حسی تعدد

بسم الله الرحمن الرحيم



جلسه: ۱۲

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی اعتبار نظرات کارشناسی و آزمایشگاهی مبتنی بر مقدمات حدسیه تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

استاد: محمد قاضی حفظه الله

معتبر شد، در امور حدسی که معرضیت آن برای خطا به جهت اعمال حدس و اجتهاد بیشتر است، تعدد در آن به اولویت اعتبار دارد. حالا مرحوم شیخ خواسته است با بیان حرجی بودن این اشکال را دفع کنند که ممکن است شارع اینجا تعدد را از باب لزوم حرج معتبر نداند، زیرا اعتبار تعدد در امور مبتنی بر خبره مشقت دارد و هر چند که در اعمال حدس، معرضیت برای خطا بیشتر است، اما اهل خبره کمتر از اشخاصی هستند که امکان شهادت حسی بر آنها وجود دارد. چون خبرویت نوعی معرفت و نوعی اجتهاد است که همگانی نیست. بله امور حسی را همه می توانند شهادت دهند، اما امور حدسی بر هر کس میسر نیست، و لذا ممکن است شارع در این قبیل امور با اینکه معرضیتش برای خطا بیشتر است تعدد را معتبر نداند زیرا اگر بخواهد تعدد را معتبر بداند، دست مردم بسته می شود و به کلفت و حرج می افتند.

پس بعید نیست که این استدلال ناظر به این نکته باشد، نه اینکه صرف لزوم حرج، موجب اعتبار قول اهل خبره ولو بدون شروط معتبره در حجیت باشد. چون لاجرم اثبات حجیت نمی کند و نمی توانیم با لاجرم بگوییم که قول غیر معتبر، معتبر است و این یعنی بخواهیم ظن را بر اساس لاجرم معتبر قرار دهیم.

آنچنان که آن وجه دیگری هم که در کلام شیخ به آن اشاره شد که اعتبار ظن در این موارد به لحاظ انسداد است زیرا مستلزم تضییع حقوق است، این هم اینگونه نیست که موجبی داشته باشد که حالا که باب علم منسند است، پس بنابراین ظن معتبر باشد. خیر، ظن مثل بقیه موارد جریان اصول ترخیصیه معتبر نیست. زیرا اگر بخواهد بر اساس اصل برائت نفی زیاده صورت گیرد یقینی به تضییع حقوق اتفاق نمی افتد. یعنی حالا اگر به مشتری مقدار کمتری ارش بدهند، یقین به تضییع حقی از او وجود ندارد تا اینکه بخواهد جایز نباشد.

بنابراین عمده آن وجه آخر است که عموم دلیل اعتبار خبر عادل باشد که حالا آن دلیل عبارت از سیره است یا نصوص و روایات است، اما هر چه هست، عمده آن دلیل است و مرحوم شیخ می خواهد مدرکش آن باشد.

منتهی نکته ای که اینجا هست این است که مرحوم شیخ رحمته الله ظاهر تعبیرش این است که «عموم دلیل اعتبار قول عادل»، که ظاهرش دلیل حجیت خبر است، در حالی که بحث ما، اخبار در حدسیات است. آنچه ادله حجیت خبر در آن مفروض است، امور حسی است. ادله حجیت خبر، عمدتاً ناظر به امور حسی است و از امور حدسی از تعبیر به اخبار به این معنا نمی شود و گرنه باید گفت مجتهد هم مخبر است. پس اگر گفتند «صدق العادل» یا گفتند «ان جاءکم فاسق نبأ فتبینوا» که مفهومی حجیت نبأ و اخبار عادل بخواهد باشد، موارد اعمال حدس را شامل نیست. لذا موارد اعمال حدس به دلیل حجیت خبر معتبر نیست بلکه خودش این دلیل جدایی دارد و آن حجیت قول اهل خبره است. پس دو ملاک برای حجیت خبر وجود دارد. حجیت خبر و حجیت قول خیر. و قول خیر به ملاک اخبار حجت نیست.

البته ممکن است کلام مرحوم شیخ رحمته الله نیز ناظر به همین معنا باشد و منظور ایشان از قول عادل، دلیل حجیت خبر عادل که گفته می شود که برای حسیات است، نیست که بخواهد شامل حدسیات هم بشود. بلکه منظور ایشان از قول عادل که شامل حدسیات است حالا آن دلیل بالخصوص در مورد حدسیات است جدای از اینکه در حسیات هم هست که سیره و ارتکاز ممکن است مطرح شود و یا برخی ادله لفظیه است. ولی ادله لفظیه هم باید ادله لفظیه ای باشد که مربوط به قول به معنای حسی نباشد و گرنه آن ادله ای که در باب حجیت خبر در امور حسیه عمدتاً دلیل بر حجیت خبر واحد است، آنها شامل امور حدسی نیست.

آنچه بیان شد توضیح کلام مرحوم شیخ رحمته الله بود که از آن احتمال اعتبار قول خیر و حتی بدون شروط معتبر در بینه بر آمد و بر اساس عدم فرق بین این قبیل خبری که مبتنی بر حدس است که قول مقوم باشد و بین خبر حدسی که مبتنی بر آزمایشات پزشکی



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۱۲

درس: خارج فقه پزشکی

موضوع: بررسی اعتبار نظرات کارشناسی و آزمایشگاهی مبتنی بر مقدمات حدسیه تاریخ: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

استاد: محمد قائمی حفظه الله

است می شود گفت که از نظر فقهی آنچه در مورد مقوم گفته شد، در مورد نظر مبتنی بر حدس در مسائل پزشکی یا آزمایشگاهی و تشخیصات کارشناسی نیز جاری است.

عده ای از کلمات معلقین بر مکاسب از جمله مرحوم سید یزدی، مرحوم آقای خویی، مرحوم امام، مرحوم محقق اصفهانی و مرحوم مامقانی رحمهم الله باقی می ماند که در جلسه بعد بیان خواهد شد.

والحمد لله رب العالمین